

طرحی دیگر

در این همه طرح ، از توجه به نویسندگان، مترجمین ، روزنامه نگاران ، مجله های ادبی و ناشرین غافل مانده اید. می بینید که وزارت ارشاد با دست اندرکاران رسانه های عمومی . با فیلم سازان و اهل تاتر و سایر هنرمندانی که آثاری خلق کرده اند و یا مایل اند خلق کنند چه می کند. توجه شما به این مقوله و سانسور آثار که بی داد می کند به نظرم ضرور است.

اسپهبد تنها تر از این ها بود!

با سلام. بنده لائیک نیستم و اعتقادی هم به لائیتیسه ندارم. خیلی ناگهانی هم به این قلمرو (سایت) کشیده شدم. با شما اما یک اشتراک دارم حالا و آن دوستی با علیرضا اسپهبد است. من از دوستان نزدیک ایشان بودم و یکی از سنگ صبوران پیش از مرگ اش. تا جایی که من خبر دارم اسپهبد اگر با فرج سرکوهی و محمود دولت آبادی دوست بود، با غلامحسین نامی و علیرضا سمیع آذر (محافظ سابق هاشمی رفسنجانی) و مهدی حسینی و امثال این ها که هم از توبره می خوردند و هم از آخور حکومت هیچ سنخیت و رابطه ای نداشت. اسپهبد بعد از جدایی از همسرش، تمام انگیزه ی سالیان خود را از دست داد و کم کم به انزوای خودخواسته رفت. بعد هم آتلیه ی اجاره ای اش را از دست داد و نتوانست دوباره جایی را اجاره و دست و پا کند. بیماری قلبی هم که داشت و سیگار هم که زیاد می کشید. این بود که بالاخره جان عزیزش را از دست داد. در مراسم خاکسپاری او هم جز من و حسینخانی (مدیر نشر آگه) و محمد رضا جوادی (معمار)، علیرضا مجابی و فریبرز رئیس دانا و مریم حاجی زاده، مهدی طالقانی (پسر آیت الله طالقانی) و چند نفر دیگر از دوستان ناشناسش کسی شرکت نداشت.

آموزگار

از سهل و ممتنع بودن و گزینش به جای لفظ و وزن و قالب شعر - توانی که هر روز رو به فزونی است - که بگذریم، وسعت قلمرو، غنا و عمق تجربه ی شاعر است. گویی که تمام زنان جامعه را نه تنها می شناسد بلکه به جای تک تک آن ها بی کم و کاست زیسته است. تنها روایتگر جامعه شناسانه ی زن نیست، بلکه تجسم زن و و زنانگی در زمانه ی خویش است. به راستی فخر زن و زبان است. خوشا ما که هم عصر اویم.

چه بگویم

چیزی و جایی برای گفتن نمانده ، هر بوده و هست این بانوی غزل ایران به کمال گفته؛ تنها آرزوی طول عمر و سرافرازی برایش دارم.

آدمکش پرویز ثابتی

اگر هر کسی کوچکترین آگاهی از کارنامه ستمکاری سازمان سرکوبگر ساواک شاهی داشته باشد، می داند که آدمکش پرویز ثابتی چه کسی است و در کشتار آزادی خواهان از چه کسی دستور می گرفت، اگر کسی این

ننگ بر آورده از حکومت کودتایی محمد رضا پهلوی را باور ندارد؛ می
تواند از پسر آخوند پرستش رضا پهلوی بپرسد که همکار پدرش چه خون
هایی ریخت. ولی آیا به راستی خواهد گفت ؟